

اعتكاف فرصتی برای فرار



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«اعتكاف فرصتی برای فرار»

علی گلستانی

انسان، که خدای متعال او را اشرف مخلوقات قرار داد و در قرآن کریم تصریح به عدم بیهودگی خلقت او نموده است: { أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ } (۱) مبدأ و مقصدی دارد که باید در طول این مسیر به تکامل و سعادت برسد، چرا که این مخلوق ارزشمند، بهایی جز بهشت ندارد: امام کاظم (علیه السلام): { إِنَّ أَبَدَانَكُمْ لَيْسَ لَهَا ثَمَنٌ إِلَّا الْجَنَّةُ فَلَا تَبِعُوهَا بَعِيرِهَا } (۲) همانا بدنهای شما را بهایی جز بهشت نیست. پس آنرا به غیر بهشت نفروشید.

از آنجا که خالق به مخلوق خویش، بیش از دیگران احاطه و شناخت دارد، برای رسیدن به سعادت نیز باید نسخه تکامل و تعالی را از او گرفت تا آدمی به حد توان و استعداد خویش به سعادت و کمال نائل آید و در دنیا و آخرت زندگی سعادت‌مندان‌ای داشته باشد.

خدای متعال در بیانی، توصیه و امر می‌نمایند که: { فَفِرُّوا إِلَى اللَّهِ } (۳) به سوی خدا فرار کنید! سوالی که به ذهن خطور می‌کند: فرار از چه و به سوی چه؟؟

فرار، یعنی فرار از گناه که ریشه گناه هم، محبت دنیا است: { حُبَّ الدُّنْيَا رَاسٌ كُلِّ خَطِيئَةٍ } (۴) پس فرار از گناه یعنی فرار از محبت دنیا. در این توصیه نجات بخش، تعبیر به فرار شده است؛ انسان‌هایی که می‌خواهند به کشور دیگری فرار کنند، ابتدا مقصد خود را انتخاب می‌کنند و بعد دارایی‌هایشان را تبدیل به نقد و سپس معادل سازی با پول آن کشور می‌کنند، تا در آنجا به

مشکلی برخوردار نکنند. انسانی که می‌خواهد فرار کند، شب و روز فکرش آنست که اسباب را جمع کند و دارایی‌هایش را تبدیل کند، تا سفر یک روز هم به تاخیر نیافتد. مومن نیز که می‌خواهد به سوی خدای متعال فرار کند باید مثل همان فراری باشد! دارایی‌هایی که دارد، وقت، مال، جوانی و.. همه را نقد کند و نقدش را هم به ارز آخرتی تبدیل کند! ارز دنیا فانی است و ارز آخرتی باقی است. با سرمایه‌ها و دارایی‌هایش کارهای الهی و خیر انجام دهد تا ارز آخرتی شود و بقاء پیدا کند، چرا که هر چیزی که الهی نباشد فانی است اما اگر رنگ الهی بگیرد، بقاء پیدا می‌کند. (۵) لذاست که آن کسانی که دنیا را با آن حقیقتی که دارد دیده‌اند، به این نتیجه رسیده‌اند که اگر تقوا را از این دنیا بردارند، باقی چیزها دیگر به درد نمی‌خورد! هر چیزی منهای تقوا ضایع‌شدنی و از بین رفتنی است و چون مربوط به دنیاست فانی می‌شود. اما تقوا همان کیمیایی است که اگر به فانی بزنند باقی می‌شود! هیچ کس نمی‌تواند همراه خود چیزی به آن نشئه برود مگر آنکه رنگ الهی پیدا کرده باشد. (۶)

{ كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ * وَيَبْقَىٰ وَجْهَ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ } (۷)

{ صَبِغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صَبِغَةً وَنَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ } (۸)

با تامل در توصیه نجات بخش خدای متعال، ارزش و جایگاه مهم مراسم معنوی اعتکاف که نقش بسزایی در اجرایی شدن و عمل به این توصیه الهی را دارد، درک می‌شود.

فرصت استثنایی و ارزشمند اعتکاف، که به برکت انقلاب اسلامی و حکومت اسلامی، هر ساله به کیفیت و کمیت آن افزوده می‌گردد، از بهترین فرصت‌ها برای تکامل و اصلاح در زندگی انسان هاست.

فرصت ارزشمندی که در طول این سه روز، آدمی با خلوت با خویشتن، انس با قرآن و دعا، توسل به قلّه‌های منیع و رفیع صفا و معنویت، یعنی حضرات معصومین "علیهم السلام" خصوصاً حضرت بقیه الله الاعظم "عجل الله تعالی فرجه الشریف" می‌تواند از بسیاری از رذائل و غفلت‌ها رها و یا حداقل تصمیم جدی به رهایی از آنها بگیرد و روح و جان خود را از آلودگی به حبّ دنیا پاک کند. فرصت گرانقدری برای شناخت حقیقت و ارزش جان آدمی و فهم آن که این جان، ارزشی جز بهشت ندارد!

فرصت گرانبهائی برای انتخاب درست مقصد و تصمیم جدی و عزمی راسخ، برای آسان کردن طیّ مسیر با زندگی پاک و سعادت‌مندانانه!

اما نکته قابل تامل در این فرصت معنوی و نورانی، شناخت موفقیت خویش در این سیر معنوی است.

نشانه عملکرد خوب، عزم راسخ و تصمیم جدی ما بر تغییر و اصلاح در این سه روز، چه چیزی می تواند باشد؟

از کجا بفهمیم که اعتکاف امسال با اعتکاف سال های قبل ما متفاوت بوده و بار ما سبک تر گشته است؟

نشانه همه اینها زجر کشیدن است!

به این مثال دقت کنید: کسی که روزی یک پاکت سیگار می کشیده و می خواهد یک باره، در یک هفته سیگار نکشد بر او بیشتر سخت می گذرد یا بر کسی که اصلاً سیگاری نبوده است؟ آن کسی که معتاد به سیگار است یک هفته اولی که بر او می گذرد به اندازه یک سال است! اما آن که معتاد نبوده، این هفته با هفته های دیگر برای او تفاوتی ندارد. انسان که در مقابل شهوات گوناگون و معاصی به ظاهر رنگین، هر از چند گاهی پای او می لغزد و گاهی نیز متاسفانه در مرداب متعفن آن واقع می شود، نیازمند فرصتی برای رهایی از این مرداب متعفن و مهلک است.

از بهترین فرصت‌ها برای این اقدام، هنگامه نورانی اعتکاف است؛ انسان که خود بر نفس خویش بصیر و میزان آلودگی‌اش به معاصی را می‌داند، پس از تصمیم قاطع بر عدم تکرار گذشته و اصلاح آن، با هجمه‌ای از سوی شیاطین و وسوسه‌های گوناگون واقع می‌شود و این همان لحظه زجر کشیدن انسان است! لذا آن کسی که بی پروایی‌هایی داشته و حال می‌خواهد در صراط مستقیم باشد باید درد فراوان بکشد تا آن عادات نادرست را ترک کند، از این‌رو خدای متعال درباره این افراد می‌فرماید: { فَأُولَئِكَ يَبْدُلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ } (۹) این به دلیل زجرهایی است که می‌کشند. (۱۰)

بنابراین اگر انسان خواست بداند، اعتکاف امسال او، اعتکاف تصمیم و تغییر بوده و در آن موفق شده است یا نه؟ به محض گرفتن تصمیم بر عدم بازگشت به عادات ناسالم و غلط، به واسطه حمله جنود شیاطین و.. دچار زجرهایی می‌شود که این زجرها نشانه موفقیت وی در ترک عمل نادرست است؛ و چه خوش و زهی سعادت که در مقابل آماج حملات شیطانی مستحکم بر تصمیم خویش باقی بماند، که این زجر برای مدتی کوتاه بیش نیست و پس از آن با زندگی نورانی، پاک و سعادت‌مندان‌های روبرو خواهد بود.

همانند آنکه انسان با دست و قدرت لامسه خویش است که لطافت برخی اشیاء را درک و از آن لذت می برد؛ حال اگر روی دست وی مانعی همچون چسب یا شیء دیگری باشد، قطعاً از بین بردن آن زجر و دردهایی در پی دارد، لکن آینده امید بخش که انسان می تواند با این دست از لذات گوناگون بهره ببرد، این زجر مقطعی را سهل و آسان می کند. روح آدمی اگر از معاصی و غفلت و.. پاک شود، گرچه در هنگام کردن و جدا شدن از آنها زجرهایی بر انسان متحمل می گردد، و لکن نقطه پرفروغ و امیدبخش، آن آینده نورانی، انسانی و الهی است؛ و انسان عاقل لذات دائمی را برای زجر و دردهای لحظه ای و مقدمه ای آن، رها نمی کند!

لذا از بهترین فرصت هاست که معتکفین گرامی در این فرصت خلوت و وصال - که البته بهتر آن است که متصدیان امر و برگزار کنندگان این مراسم معنوی، سعی در پُر کردن اوقات با برنامه های گوناگون و متنوع به گونه ای که محلّ به خلوت معتکفین باشد، نمایند تا این فرصت طلایی خلوت در این سه روز از بین نرود - با شناخت حقیقت دنیا و خویشتن، تصمیم قاطع بر تغییر گرفته و در آینده نیز در مقابل زجرها، وسوسه ها و حملات شیاطین، دچار تغییر و خلل در تصمیم خود نگردند.

نکته دیگری که سزاوار دقت و تأمل در آن است، توجه در این تمثیل است که:

دانه تا در خاک کاشته نشده است نیازمند مراقبت چندانی نیست، اما به محض کاشت او تا رسیدن به ثمر، مراقبت دائم و همه جانبه می‌خواهد و الا مثمر ثمر نخواهد بود. گرچه این فرصت طلایی سه روزه، فرصت عهد و تصمیم و عزم است، اما مراقبت پس از آن بسیار مهم و سرنوشت ساز در تکامل و به ثمر رساندن عزم و تصمیم خویشتن است تا سعادت آدمی در دنیا و آخرت تضمین گردد، که امیرالمؤمنین "علیه السلام" فرمود: ﴿وَأَعْلَمُوا يَا عِبَادَ اللَّهِ أَنَّ الْمُتَّقِينَ حَازُوا عَاجِلَ الْخَيْرِ وَ آجِلَهُ﴾ (۱۱) متقین، هم نیکی نزدیک، زودتر و عاجل را، و هم نیکی آجل، یعنی مدت دار را حائز می‌شوند، اهل تقوا هم خیر این دنیا را می‌بینند، هم خیر عالم آخرت را.

اللهم وفقنا لما تحبُّ و ترضى

منابع:

۱. سوره مومنون، آیه ۱۱۵: با تمام آنچه گفتیم، خیال کرده‌اید که شما را بی هدف آفریده‌ایم و به سوی ما برتان نمی‌گردانند؟!
۲. تحف العقول، صفحه ۳۸۹
۳. سوره ذاریات، آیه ۵۰
۴. خصال، شیخ صدوق "ره"
۵. تمثیلات اخلاقی-تربیتی جلد ۱، آیت‌الله حائری شیرازی "ره"، صفحه ۶۷ و ۶۸
[با اندکی تغییر]
۶. تمثیلات اخلاقی-تربیتی جلد ۲، آیت‌الله حائری شیرازی "ره"، صفحه ۸۳ و ۸۴
[با اندکی تغییر]
۷. سوره الرحمن، آیات ۲۶ و ۲۷: هر که در زمین است از بین می‌رود * و فقط جلو باشکوه و ارجمند خدا باقی می‌ماند.
۸. سوره بقره، آیه ۱۳۸
۹. سوره فرقان، آیه ۷۰: خدا هم، بدی‌هایشان را تبدیل به خوبی‌ها می‌کند.
۱۰. با اقتباس از تمثیل آیت‌الله حائری شیرازی "ره"
۱۱. تفسیر الصافی، جلد ۲، صفحه ۱۹۳ به نقل از امالی شیخ طوسی "ره"

معتكف می شویم به نیت ظہور

